

روایت نگهبانی که با شیوه‌ای متفاوت، دختران و بانوان را به رعایت پوشش حجاب دعوت می‌کند

گلی به اسم وقار

۳



راه تجربه

زهرارشبعی | وسط پارک همان طور که نگاهش به گلدان توی دستش دوخته شده، هم ذوق زده است و هم مات و مبهور؛ چرا من؟ اصلاً به چه مناسبت؟ نه تولدم است نه عید یا مناسبت خاصی! مرد هم سکوت کرده است تا شاید خودد ختر متوجه شود که ناگهان یکی از همراهان خانم بلند می‌گوید: «به خاطر چادر است.» و او را از هجوم سوالات بی پاسخ این چند دقیقه رهایی‌کننده، حدسش کاملاً درست است، چون بین همه خانم‌های جوان و نوجوان جمع، پوشش کاملی دارد. اما این بانو تنها فرد محجبه‌ای نیست که از محمود کریمیان، نگهبان حفاظت فیزیکی سالن ورزشی شهید ناصری، هدیه می‌گیرد.

● هدیه‌ای که تکثیر شد

ماجرای این قرار است که محمود کریمیان، یکی از نگهبانان حفاظت فیزیکی سالن ورزشی شهید ناصری در محله خواجه ربیع که حدود نیمی از عمرش را در این خدمت گذرانده است، ۱۰ سالگی می‌شود بایک ایده جالب، در زمینه حجاب و امر به معروف و نهی از منکر فعالیت می‌کند. او که علاقه خاصی به گل و گیاه دارد، می‌گوید: این علاقه در وجودم بود و فقط یک جرقه برای بیدار شدن می‌خواست که آن هم سال ۹۶ زده شد؛ وقتی معاون فرهنگی وقت منطقه شهرداری، به مناسبت نوروز به ما گلدان هدیه داد. دیدم چه کارشناسی، چرا من این کار را نکنم! این شد که با چند گلدان حسن یوسف که هم خوش قیمت بود و هم به راحتی با هر محیطی سازگار می‌شد، شروع کردم به پرورش گل در خانه؛ با قلمه زدن و تکثیر آن چند گلدان و اضافه شدن گل‌های دیگر مثل سانسوریا، کار به جایی رسید که دیگر فضایی برای نگهداری نداشتم؛ تعدادی را به محل کار منتقل کردم و آنجا هم یک گلخانه کوچک شکل گرفت.

زیاد شدن تعداد گل و گلدان‌ها آقای کریمیان را به این فکر انداخت که گل هم می‌تواند در فهرست وسایلی که تا آن زمان به دختران با حجاب هدیه می‌داد، قرار گیرد؛ «همیشه عادت داشتم به افراد محجبه به خصوص کودکان و نوجوانان شکلات یا گیره روسری هدیه کنم تا تشویق شوند اما با زیاد شدن گلدان‌ها به ذهنم رسید که گل و گیاه هم هدیه خوبی است، به ویژه اینکه خانم‌ها خیلی گل دوست دارند. به این ترتیب دختر بچه‌های با حجاب را که به سالن ورزشی می‌رفتند، با گیره روسری و شکلات تشویق به پوشیدن چادر می‌کردم و وقتی چادری می‌شدند، به آن‌ها گلدان هدیه می‌دادم یا وقتی می‌دیدم خانمی جوان میان یک جمع بی حجاب، محجبه است به او هدیه می‌دادم.»

او که تا به حال حداقل صد گلدان با هزینه شخصی به افراد محجبه هدیه کرده است، همان طور که جواب سلام و احوالپرسی عابران را می‌دهد، با تأکید می‌گوید: گلدان‌ها مشتری زیاد داشت. از خانم‌ها گرفته تا آقایان محل کارم. ولی به هیچ وجه آن‌ها را نفروختم. تا همه راه‌دهنده دادم و الان فقط چندتا مانده است.

● احساس وظیفه، حتی در مسیر رفتن به سرکار

امر به معروف و نهی از منکر برای آقا محمود به سالن شهید ناصری و فضای سبز اطراف آن خلاصه نمی‌شود؛ هر جا احساس کند می‌تواند با مهربانی قدمی بردارد. از خیابان گرفته تا جمع‌های خانوادگی و محل کار سابقش، همین شیوه را ادامه می‌دهد.

او می‌گوید: معمولاً مسیر محل کارم را پیاده می‌روم. اگر دختر محجبه‌ای، به ویژه قبل از سن تکلیف ببینم، تشویقش

عکس: نفیسه فرخی/شهرآرامش

با این موضوع موافق نبوده است.

● حرف فراموش می‌شود؛ گل می‌ماند

غلامیان، یکی از بانوانی که شش هفت سال پیش گلدان هدیه گرفته است، جوری که انگار همین امروز این اتفاق افتاده، با ذوق تعریف می‌کند: من و دخترم به سالن ورزشی بهمن رفت و آمد داشتیم؛ خودم اوایل عمامی پوشیدم اما از وقتی آقای کریمیان پدرانم گفت چادر به عنوان حجاب حضرت فاطمه (س) بهتر است، چادر پوشیدم و یک گلدان پتوس زیبا هدیه گرفتم. برایم جالب بود که یک نفر، آن هم با حقوقی ناچیز، از جیب خودش برای حجاب داشتن دیگران هدیه بخرد. پرسیدم حالا ضروری است که حتما هدیه بدهید؟ شفاهی بگویند، کافی است. پاسخ داد: «اولاً راه امام زمان (عج) است. ثانیاً اگر فقط حرف باشد، فراموش می‌شود ولی گل می‌ماند.»

او با اشاره به اینکه دخترش هم به خاطر تشویق‌ها و گیره روسری‌ای که از آقای کریمیان هدیه گرفته، طوری تشویق شده که در ده سالگی محجبه است، ادامه می‌دهد: آقای کریمیان معتقد است ارزش و جایگاه بانوان خیلی بالاست؛ به همین دلیل نباید خود را به راحتی در معرض دید همگان قرار دهند. همه را دختران خودش می‌داند و به عنوان یک پدر یا عموی دلسوز و مهربان خیلی غصه می‌خورد که چرا دختران پاک ماتحت تأثیر تبلیغات دشمن و بدخواهان به بی حجابی کشیده می‌شوند؛ به همین دلیل هر جا از هر فرصتی برای ترویج حجاب استفاده می‌کند. مثلاً حتی برای جشن تکلیف دخترم جایزه گرفت یا برای شرکت در یک لوازم تحریر که هر سال برای نیازمندان تهیه می‌کنیم، دفترهایی می‌خرم که تصویر دختران محجبه داشته باشند. زمان اغتشاشات سال ۱۴۰۱ هم با وجود فضای منفی جامعه علیه حجاب، بدون هیچ ترس و واهمه‌ای با محبت و ازار سر دلسوزی، پدرانم با دخترها صحبت و تشویقشان می‌کرد و سبب می‌شد کمتر تحت تأثیر فضای آن زمان قرار بگیرند.

گاهی یک گیره روسری هدیه می‌دهم و می‌گویم اگر از آن استفاده کنی، حجاب کامل تری می‌شود. اگر هم نوجوان یا جوانی چادری در جمعی باشد که همراهانش حجاب کامل ندارند، یک گلدان کوچک کادو پیچ شده با جمله‌ای از بیانات رهبر شهید درباره حجاب به او هدیه می‌دهم. ترجیح می‌دهم این کار در جمع انجام شود تا دیگران هم به رعایت حجاب تشویق شوند. خاطره‌ای هم از دوران مسئولیتش در سالن ورزشی بهمن دارد: «روزهای اول به دخترها گفتم دوست ندارم در شیف من با پوشش نامناسب حاضر شوید؛ حیف این موهای زیبای شماست که نامحرم ببینند. خود بچه‌ها پذیرفتند اما بعضی از مادرها مخالفت می‌کردند و می‌گفتند هنوز کوچک‌اند. برایشان توضیح دادم که بیرون از خانه، فرقی نمی‌کند مهد کودک باشد، مدرسه، خیابان یا باشگاه؛ هر محیطی پوشش متناسب خودش را می‌خواهد. حدود یک ماه طول کشید تا مادرها هم قانع شدند و از آن پس، بچه‌ها باروسری در سالن حاضر می‌شدند.»

او تأکید می‌کند: این شیوه امر به معروف را با اعتقاد انتخاب کرده‌ام و اگر هم کسی مانع می‌شود، از انجام وظیفه شرعی‌ام دست نمی‌کشم. خوشبختانه بیشتر کسانی که هدیه می‌گیرند، استقبال می‌کنند؛ بعضی‌ها ذوق زده می‌شوند و حتی اشک می‌ریزند. البته مواردی هم بوده که خود دختر به حجاب علاقه نداشته اما خانواده، به ویژه پدرش،

